

# مردم سیلان مازندران از چه قومی هستند؟

دکتر عیسی بهنام

است. در بمپور نیز اخیراً آثاری بدست آمده که نشان میدهد این ناحیه در حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسکون بوده است. آثار مکشوف در «خوروین» نزدیک قزوین خیلی نزدیک تر به ماست، و احتمالاً متعلق به حدود ۱۲۵۰ سال پیش از میلاد، یعنی زمانی است که فکر میکنند آریاییها وارد این سرزمین شده اند، و در تمام جلگه های حاصلخیز کنار «کویر» از «ری» تا کاشان مستقر گردیده اند. در تپه سیلک کاشان نیز آثاری از آنها بدست آمده است.

بعضیها معتقدند که آریاییها از مکان دیگری به این سرزمین نیامده اند و از ابتدا در این سرزمین بوده اند، ولی مطالعه آثار متعلق به حدود ۱۲۵۰ سال پیش از میلاد در تمام سرزمین ایران، اعم از سواحل دریای خزر و جلگه های کنار کویر، و دره های آباد مغرب ایران، و حتی نواحی جنوبی ایران، مانند شهداد و بلوچستان، نشان میدهد که در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد تحولات فوق العاده ای در طرز بخت سپردن مردگان، و شکل ظروف گلی و نقوش آن، بوجود پیوسته که در طبقات زیرین، یعنی لایه های قدیم تر از آن وجود نداشت. مثلاً در نقش ظروفی که در لایه های قدیم تر پیدا شده تصویر اسب دیده نمیشد، در حالی که روی ظروف گلی منقوش در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد تصویر اسب بیش از هر چیز روی ظروف سفالین ظاهر میگردد.

دانشمندان باستان شناسی اعتقاد دارند که یکی از دلایل برتری آریاییها بر مردمی که پیش از آنها در این سرزمینها زندگی میکردند آشنایی به فنون اسب سواری بوده است. شاید به همین دلیل باشد که بیشتر پادشاهان داستانی ما، مانند لهراسب و کشتاسب و بیوراسب و غیره، نامشان با کلمه اسب ترکیب شده است. بعلاوه در یشت های مختلف اوستا، خصوصاً در یشت ۱۷ که مربوط به «میترا» ست بارها از اسب های خوب و سرکش نام برده میشود.

داریوش اول نیز چندین بار از «کشورش که مردان

همانطوری که در شماره پیش توضیح داده شد، بنا بر آنچه که تا این تاریخ بر ما شناخته شده است، نواحی کوهستانی «زاگرس» در اطراف کرمانشاه، از ده هزار سال پیش مورد سکونت انسان قرار گرفته بوده است، و این انسانها که ابتدا زندگی خود را با شکار حیوانات و پرندگان و چیدن میوه های جنگلی میگذراندند، بتدریج در حدود ۷۰۰۰ سال پیش از میلاد متوجه شدند که میتوان بعضی از دانه ها را کاشت و در موقع معینی از محصول آن استفاده کرد، و به این طریق کار زراعت به شکار و استفاده از محصول طبیعی نباتات اضافه شد، و مردم گرد هم جمع شدند و خانه های محقری با گیل ساختند و بعضی حیوانات را اهلی کردند و زندگی شهرنشینی در این ناحیه از جهان و شاید در بعضی نواحی دیگر آغاز شد.

این تحقیقات فقط در تزدیکی های کرمانشاه بعمل آمده است، ولی در نقاط دیگر ایران هنوز تحقیقاتی که بتواند زندگی انسان را در این نواحی در حدود ده هزار سال پیش یا زمانهای پیش از آن نشان دهد انجام نگرفته است. تحقیقاتی که آقای «کارتون کون» در غار هوتو و غار کمر بند در مازندران انجام داد هنوز بصورت کامل بیچاپ نرسیده است تا بتوان از آن استفاده لازم را نمود.

بنا بر آخرین تحقیقات باستان شناسان، گذشته از تپه سرآب که شرح آن گذشت، قدمت آثار مکشوفه در حسنلو به ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح میرسد. قدمت آثار تپه سیلک نزدیک کاشان تا ۵۵۰۰ سال پیش از میلاد بالا میرود. قدیم ترین آثار مکشوف در «ری» از ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد است. آثار اسمعیل آباد، نزدیک قزوین، و «تورنک تپه» در گرگان، و تپه «ژیان» نزدیک نهاوند، و شوش، و «تل بکون»، نزدیک تخت جمشید با آثار مکشوف در تپه های مذکور در بالا تقریباً هم دوره است و به ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد تعلق دارد. آثار مکشوف در تل ابلیس، نزدیک کرمان تقریباً پانصد سال جوان تر است و با آثار تپه حصار، نزدیک دامغان هم زمان

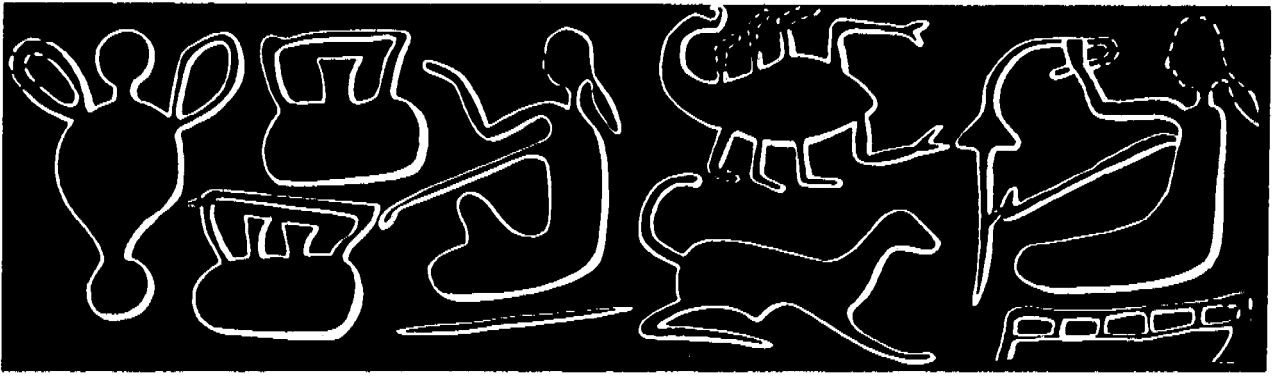


(شکل ۱) در اوایل هزاره اول پیش از میلاد مسیح، یعنی در حدود ۳۰۰۰ سال پیش، مردمی که بین سفیدرود و جلگه‌های مرتفع عمارلو و اشکور مسکن داشتند به آن درجه از تمدن و هنر رسیده بودند که مجسمه خوک وحشی را که در جنگل‌هایشان زیاد دیده میشد با گل قرمز که در دستریشان بود بصورت تصنعی طوری مجسم نموده‌اند که امروز به آسانی میتواند در کنار جدیدترین شاهکارهای هنر مجسمه سازی در بزرگترین موزه‌های دنیا قرار گیرد و با کار هنرمندان عصر حاضر رقابت نماید. این مجسمه خوک وحشی یا گراز امروز در یکی از مجموعه‌های خصوصی در تهران حفظ میشود و از ناحیه فوق بدست آمده است

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

آهن هم در همین تاریخ، یعنی در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد، که به اعتقاد ما مقارن با برتری آریایی‌هاست، در طبقات پیش از تاریخی ظاهر میگردد. نه اینکه پیش از آن مردم به وجود آهن آگاهی نداشتند، ولی بقدری استفاده از آن ناچیز بود که بصورت فلزی قیمتی در میان آنها معمول بود و از آن فقط گوشواره و انگشتری یا جواهر دیگری از همین نوع میساختند، ولی در اواخر هزاره دوم یعنی در حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد استفاده از آهن بقدری زیاد شد که خنجرها و سرنیزه‌ها و شمشیرها را از آهن ساختند. پیش از آن

و اسبان خوب دارد» یاد کرده است. پیش از این تاریخ نشانه‌ای از وجود اسب در این سرزمین‌ها به چشم نمی‌خورد. مثلاً در کتیبه‌های میخی متعلق به اوایل همین هزاره که در شوش پیدا شده صحبت از «خر کوهستانی» است، و معلوم میشود که مردم این نواحی تازه آشنایی به وجود اسب پیدا کرده بودند، و با مقایسه با خر، که در میان آنها خوب شناخته شده بود، آنرا «خر کوهستانی» نامیدند، زیرا از طرف نواحی کوهستانی واقع در مشرق بین‌النهرین، یعنی ناحیه جبال زاگرس، به آن نواحی رسوخ پیدا کرده بود.



(شکل ۴) در حدود ۵۰۰۰ سال پیش در ناحیه‌ای که امروز تحت عنوان چغامیش شناخته میشود و در خوزستان قرار دارد، مردمی مسکن داشتند که به رموز شهرنشینی آشنایی داشتند. روی یکی از مهرهای استوانه‌ای شکل که بوسیله آقای «دلگاز» باستان‌شناس معروف امریکایی، در چغامیش کشف گردیده، و نقش بالا در روی آن، مانند مهرهای امروزی، کنده شده، در طرف راست یک بانوی خانه‌دار روی سکویی نشسته مشغول رسیدن پشم میباشد. در برابرش سگی نشسته. معلوم میشود در آن زمان سنگ اهلی شده بود و گله‌داری معمول بود. در طرف چپ بانوی دیگری با تکان دادن «دوشان» هایی که از گل پخته که هنوز هم در بسیاری از نقاط ایران معمول است، مشغول گرفتن کره از شیر میباشد. مردم خوزستان در آن زمان سابقه درازی در راه شهرنشینی طی کرده بودند

مهاجرت کردند. مثلاً زبان انگلیسی امروز در تمام امریکای شمالی و استرالیا، زبان مادری مردم است، و ما میدانیم که ساکنان این نواحی از انگلستان به آن نقاط مهاجرت کرده‌اند. البته این سؤال پیش می‌آید که آن مکانی که در ابتدا این اقوام آریایی با هم همسایه بوده‌اند کدام نقطه از جهان بوده است. ما این مطلب را فقط از نقطه نظر باستان‌شناسی مطالعه میکنیم، چون از دیدگاه‌های دیگری نیز میتوان آنرا بررسی نمود.

در صورتی که بپذیریم نقطه‌ای که مورد نظر ماست در خارج از سرزمین ایران قرار داشته است باید به حال این فرض را قبول کنیم که این مهاجرت‌ها از شمال سرزمین ایران بطرف جنوب انجام گرفته است.

این مطلب از نظر باستان‌شناسی بسیار روشن است، زیرا آثار بسیار کهنی که در بسیاری از نقاط جنوبی ایران بدست آمده خصوصیات را که در بالا ذکر کردیم شامل نیست، و بیشتر با تمدن مردمی مطابقت میکند که شاید از ده هزار سال پیش در تمام سرزمین ایران و شبه جزیره آناتولی و جلگه بین‌النهرین پراکنده بوده‌اند و هیچوقت نتوانستند حکومت مقتدری بوجود آورند که مرکزی داشته باشد و شامل تمام این نواحی گردد. مثلاً ما نمیدانیم که این اقوام به چه زبانی تکلم میکردند، چون خطی از خود بیادگار نگذاشته‌اند. خطوطی که در بین‌النهرین کشف شده نشان میدهد که مردم آن نواحی تا اوایل

سلاح‌های مردم از برتر ساخته میشد. سلاح‌های آهنین سبک‌تر و مؤثرتر از سلاح‌های برتری بود و ساختن آن راحت‌تر بود، و همین امر سبب برتری اقوام آریایی بر دیگران شد. اگر عمومیت یافتن استفاده از اسب و آهن را از خصوصیات تمدن مردم آریایی‌تژاد بدانیم که در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد وارد این سرزمین شدند، باید اعتقاد به این مطلب پیدا کنیم که ورود آریایی‌ها مقدمات ایجاد شاهنشاهی بزرگی را که روی پایه و اساس مساوات بین تمام ملل قرار داشت فراهم ساخته است.

بعضی‌ها میگویند: چرا میگویید آریایی‌ها به ایران آمدند؟ شاید از ابتدای خلقت بشر در همین سرزمین بوده‌اند. من کوشش میکنم بنا بر آنچه که در اعتقاد من است جواب این سؤال را بدهم.

دلیل مهمی که میتوانیم در این مورد بیاوریم این است که مردمی که این شاهنشاهی را بوجود آوردند به زبان آریایی تکلم میکردند، و این زبان در میان تعدادی از ملل مانند «هیت‌ها» و «میتانی‌ها» از اوایل هزاره دوم معمول بود و از اواخر همین دوره بین تمام مللی که اروپا و شبه جزیره آناتولی و فلات ایران و هندوستان را مسکون کردند معمول گردید. بنا بر این طبیعی است فرض کنیم که تمام این قبایل در ابتدا با یکدیگر همسایه بودند و در اوایل هزاره دوم به سبب تحولات اقتصادی و اجتماعی و کم‌بودن مراتع، به سرزمین‌های مزبور

هزاره اول پیش از میلاد منحصرأً به زبان سامی تکلم میکرده‌اند ولی از زبانی که بین ساکنان فلات ایران معمول بوده هیچ اطلاعی نداریم. فقط این مطلب روشن شده است که نام بسیاری از سرکردگان مردمی که در هزاره دوم پیش از میلاد، یا کمی پیش از آن، در دره‌های جبال «زاگرس» به گله‌بانی مشغول بوده‌اند آریایی است.

آقای «کارلوسکی» باستان‌شناس جوان امریکائی در جنوب ایران در ناحیه‌ای بنام «تپه یحیی» آثاری از خط معمول بین مردم آن نواحی را بدست آورد، ولی این آثار بسیار ناچیز است و فقط شمارش اعداد را نشان می‌دهد.

اینطور گفته شده است که این خطوط از ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد است، و تجزیه بوسیله روش کاربن ۱۴ نیز این مطلب را تأیید کرده است.

سابقاً باستان‌شناسان اعتقاد داشتند که برای اولین بار خط در ناحیه شوش بوسیله سامی‌نژادها در حدود سه هزار سال پیش از میلاد اختراع شد، و در عرض مدت دوهزار سال تحولات متعدد در آن رخ داد تا منجر به ایجاد خط میخی بابل و آشوری گردید.

خط بابل و زبان بابل و ایلامی حتی در زمان هخامنشی‌ها معمول بود و بهمین سبب است که شاهنشاهان هخامنشی کتیبه‌های خود را علاوه بر زبان فارسی باستان به زبان و خط بابل و ایلامی نیز مینوشتند. ظاهراً داریوش اول خط فارسی باستان را که بصورت میخی است از خط بابل اقتباس نموده و در ایران معمول کرده است.

اگر خطوط مکتوف در «تپه یحیی» به ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد برسد عقاید پیشین راجع به آغاز ایجاد خط در مشرق زمین بهم می‌خورد. هنوز کاوش‌های «تپه یحیی» آنقدر توسعه نیافته است که بتوانیم از آن نتیجه قطعی در این مورد بگیریم، و بهر حال این مطلب نیز در پیش است که کتیبه‌های میخی که ممکن است در «تپه یحیی» بدست آید زبان سامی خواهد بود یا زبان دیگر؟ به عبارت دیگر سوال اصلی این است که آیا آریایی‌ها پیش از آغاز تشکیل شاهنشاهی هخامنشی از خطی استفاده میکرده‌اند یا خیر.

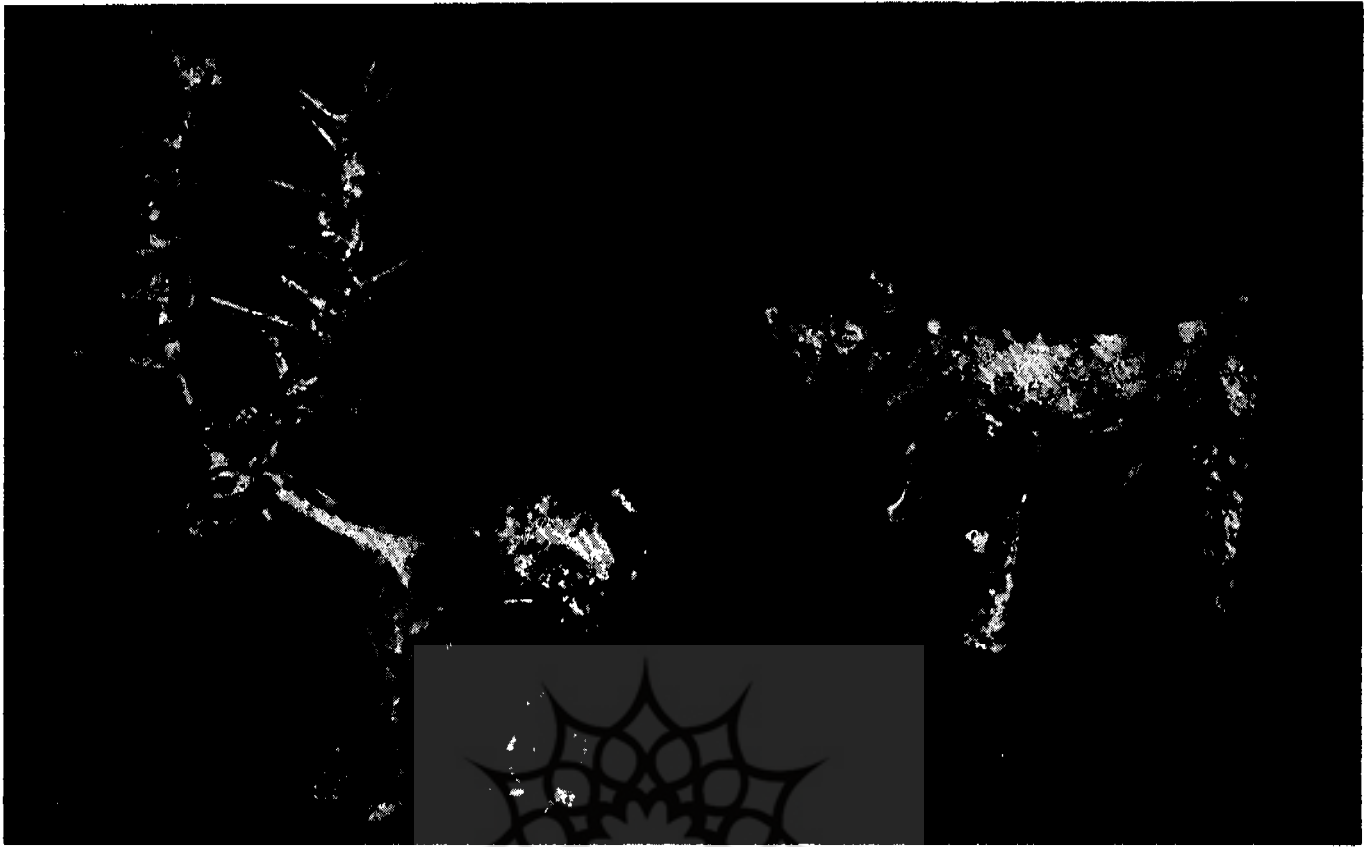
بنابر شرحی که در بالا داده شد معلوم شد که از حدود ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد تا حدود ۱۲۰۰، مردمی که هنوز معلوم نشده از چه نژاد، یا لاقلاً از چه دسته انسان‌هایی بوده‌اند، در تمام سرزمین ایران تمدن‌های پیشرفته‌ای بوجود آورده‌اند و با مردم آناتولی و بین‌النهرین مبادلات بازرگانی و فرهنگی داشته‌اند. در حدود ۱۲۰۰ پیش از میلاد آثار دسته‌هایی از اقوام آریایی، خصوصاً در مغرب و شمال و جنوب غربی ایران ظاهر میشود، و تقریباً ۵۰۰ سال میگذرد تا نخستین شاهنشاهی از قوم آریایی در سرزمین ایران بوجود می‌آید.

این مطلب ما را وادار میکند که باز راجع به آمدن یا نیامدن آریایی‌ها از نقطه دیگری به سرزمین ایران گفتگو کنیم. اینک کوشش میکنیم یکی از نواحی فلات ایران، ناحیه ساحلی دریای خزر را از این جهت مورد بررسی قرار دهیم:

کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی که تا این تاریخ در سواحل دریای خزر بعمل آمده نشان میدهد که در حدود ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد چند قوم که با یکدیگر هم‌زبان بوده‌اند، در تمام سواحل جنوبی دریای خزر مستقر گردیده‌اند. تمدن غار «هوتو» و غار «کمر بند» که از حدود ده هزار سال پیش در مازندران آغاز شده بود احتمالاً دنباله پیدا نکرد. بررسی‌هایی که تا این تاریخ در نواحی ساحلی دریای خزر بعمل آمده اینطور نشان میدهد که از اواسط هزاره دوم مهاجرت‌های دیگری در این نواحی انجام نگرفته است.

اینطور بنظر میرسد که اقوامی که از کلاردشت تا نواحی واقع در جنوب «املش» و «تماجان» و «آمام» و «سمام» و «اشکور» و «عمارلو» و رودبار مسکن اختیار کردند مورد تجاوز همسایگان نشان قرار نگرفتند، زیرا عبور از راه‌هایی که به آن نواحی پایان می‌یافت آسان نبود. ناحیه «مارلیک» و «کلورز» و نقاط دیگری که در کنار سفیدرود قرار داشتند بیشتر از دیگر نواحی با همسایگان خود نزدیک شدند. احتمال دارد که از راه طبیعی و آسانی که این رودخانه در رشته جبال البرز باز کرده بود رابطه نزدیکی بین نواحی شمالی ایران و کشورهای مقتدر آشور و ماد و «مانایی» و حتی «سکایی» برقرار شده باشد. بهر حال در حدود قرن نهم پیش از میلاد در دو طرف سفیدرود در حدود رستم آباد امارت‌نشین‌های متعددی بوجود آمده بود که مردم آن در ساختن کوزه‌های سفالین گلی و مجسمه‌های گاو و جام‌های زرین و زینت‌آلات و غیره سلیقه بخصوصی نشان داده‌اند و آثارشان نشان میدهد که تمدن و هنر آنها بسیار پیشرفته بود. این امارت‌نشین‌ها در حدود قرن هفتم یا ششم پیش از میلاد احتمالاً بوسیله مادها یا آشوری‌ها یا کشورهای مقتدر دیگری که همسایه آنها بودند منهدم گردیدند.

ناحیه ساحلی جنوب دریای خزر در همین زمان و حتی مدت‌ها پیش از آن معبر آسانی برای عبور اقوام شمالی بسوی دره‌های حاصلخیز و مراتع کوهستانهای مغرب ایران بود. از آن راه اقوام مزبور میتوانستند به آسانی به شهرهای پرتروث بین‌النهرین دست یابند. بعلاوه سواحل مغرب دریای خزر براه طبیعی قفقاز برمیخورد، و این ناحیه در میان دریای خزر و دریای سیاه مانند شترگلوبی بود که اقوام صحراگرد شمالی مانند «هیت‌ها» و «میتانی‌ها» و «کاسی‌ها» و شاید مادها و پارس‌ها و بعد از آنها «سکایی‌ها» و «کیمیری‌ها» از آن برای ورود به شبه جزیره آناتولی و فلات ایران و کلیه جلگه بین‌النهرین استفاده میکردند.



(شکل ۳) هنرمندان نواحی واقع در ارتفاعات جنوب دریای خزر معمولاً با شکل حیوانات بازی میکردند و آنها را بصورت مصنوعی درمیآوردند، همانطوری که هنرمندان امروزی میکنند، ولی گاهی نیز از روی طبیعت تقلید میکردند و یکی از بهترین نمونه‌های این نوع کار مجسمه کوچک گراز و حیوان شکاری دیگری است که در اینجا عکس آن دیده میشود و در آن حرکات این دو حیوان خوب نشان داده شده است. این دو مجسمه گلی نیز در یکی از مجموعه‌های خصوصی در تهران حفظ میشود و در املش نزدیک رودسر خریده شده. احتمالاً از یکی از قبرهای واقع در عمارلو یا در اشکور کشف گردیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

شدند. امروز در تمام این نواحی قبرهای متعدد از آنان وجود دارد، ولی تا این تاریخ هیچ اثر ساختمانی از منازل آنها بدست نیامده است. شاید خانه‌هایشان مثل امروز خیلی سبک بوده و از بین رفته است. امروز در همین نواحی پایه خانه‌ها را از قلوه سنگ و قسمت بالایش را از چوب میسازند. شاید هم هنوز کاوش‌های دقیق برای پیدا کردن آثار مسکونی آنها بعمل نیامده است. بهرحال تعداد قبرهایی که در جلگه‌های مرتفع

اگر قرابت زبان و عادات و رسوم مردم سواحل جنوبی دریای خزر، یعنی «گیل‌ها» و «دیلم‌ها» و «تپوری‌ها» و «آماردها» را با طالش‌ها در نظر بگیریم اینطور بنظر میرسد که تمام این اقوام از راه گردنه‌های قفقاز و سواحل طالش به طرف گیلان و تپورستان آمده باشند، و چون سواحل دریای خزر برای زندگی مناسب نبود به ارتفاعات واقع در کنار جنگل‌ها رفته به گله‌داری در مراتع سبز جلگه‌های مرتفع البرز مشغول



(شکل ۴) مردمی که در ارتفاعات البرز به گله‌داری مشغول بودند مانند اقوام دیگر آریایی با استفاده از اسب آشنایی داشتند و برای اینکه در دنیای دیگر نیز بتوانند از وجود آن استفاده کنند، مجسمه کوچک گلی آنرا در قبرشان می‌گذاشتند. در ایام قدیم تر خود اسب را میکشند و در گور قرار میدادند. این مجسمه کوچک از گل بخته در ارتفاعات واقع در جنوب املش کشف گردیده و امروز در یکی از مجموعه‌های خصوصی حفظ میشود

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

که بزبان آریایی صحبت میکنند و در حدود ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح احتمالاً از راه قفقاز و طالش به این نواحی مهاجرت کرده‌اند و در ارتفاعات کنار دریا به گله‌داری و زراعت مشغول شده‌اند و تا این تاریخ با هیچ قوم دیگری مخلوط نشده و مهاجرات متعددی که در سرزمین ایران بوقوع پیوسته نتوانسته است آنها را تحت تأثیر قرار دهد.

واقع در کنار جنگل‌های گیلان و مازندران قرار دارد بقدری زیاد است که باید تصور کرد که احتمالاً اجتماعی در آن نواحی مسکن داشته‌اند و آثار خانه‌هایشان از میان رفته است. در ناحیه مارلیک و کلورز از قبرها آثار بسیار زیبایی بدست آمده که هر کدام شاهکاری از هنراند. بنا بر گفته‌های بالا میتوانیم این نتیجه را بگیریم که مردمان سواحل جنوبی و غربی دریای خزر جزو اقوامی هستند